

محمدرضا نجفی امامی از جمله توانیابانی است که سال‌هاست با تلاش و ممارست در رشته کارگردانی انیمیشن و سینما فعال شده و تخصص اصلی او خلق جلوه‌های ویژه است. او در کودکی دچار فلج اطفال شده و از ناحیه دست و پای راست دچار مشکل گردیده‌است. این گفت‌وگو شرح تلاش‌های محمدرضا نجفی امامی است.



محمدرضا نجفی امامی:

رعد ریشه‌های مرا قوی کرد!

ابتدا از تدریس در مجتمع رعد برایمان بگو بید؟

من یکسال در رعد تدریس انیمیشن و جلوه‌های ویژه کردم و می‌خواستم این برنامه را ادامه دهم که متاسفانه نشد. من پیشنهاد دادم همان‌طور که در مرکز علمی کاربردی رعد افراد تندرست و افراد دارای معلولیت کنار هم درس می‌خوانند، در مجتمع رعد هم کلاس‌هایی بگذارید که افراد تندرست و توانیاب کنار هم بنشینند تا به آنها انیمیشن تدریس کنم. وقتی فردی مثل من با وجود مشکلات جسمی در چنین کلاسی تدریس می‌کند، هم افراد تندرست انگیزه پیدا می‌کنند و هم بچه‌های توانیاب. از طرفی این بچه‌ها در مجاورت با هم ارتباط و دوستی‌هایی پیدا می‌کنند که اتفاق‌های بزرگ‌تری را در پیش خواهد داشت. چون خودم این تجربه را داشتم دوست داشتم، این اتفاق در رعد هم بیفتد. متاسفانه به دلایلی که نمی‌دانم، در آموزشگاه رعد از افراد تندرست ثبت نام نمی‌کنند، که این با ساختار ذهنی من متفاوت است. من همیشه گفته‌ام اگر رعد بتواند ۲۰

من همیشه به شاگردانم این نکته را می‌گویم که اگر می‌خواهید کار بزرگی انجام دهید اول از خودتان شروع کنید و منتظر کمک و حمایت دیگران نباشید

مطالعه کردم و کتاب خواندم و هم به‌طور عملی تجربه کسب کردم. حتی مجانی هم کار کردم تا توانستم به این مرحله برسم و حالا می‌خواهم این تجربه را به دیگران هم منتقل کنم. از همه مهم‌تر این که در رعد بچه‌های بسیار خلاق و وجود دارند. شاگردی به نام علی شکیل داشتم که ویلچری بود و با خودکاری در دهان، انیمیشن کار می‌کرد. من دوست دارم که شاگردانم کار را کاربردی یاد بگیرند نه فقط در تئوری. همه فکر می‌کنند خلاقیت به جسم مربوط می‌شود در حالی که خلاقیت به ذهن افراد مربوط است و افراد دارای معلولیت از خلاقیت خوبی برخوردار هستند.

زمانی که در رعد آموزش می‌دیدم مدرسین ما، مهندسين نرم‌افزار و سخت‌افزار بودند که خودشان شرکت داشتند و از نظر مالی هم مرفه بودند. وقتی این افراد را می‌دیدیم انگیزه می‌گرفتیم و به حرفشان گوش می‌کردیم. شما پیشرفت‌های خوبی داشته و به موفقیت رسیده‌اید، از این مسیر نه

کارآموز را در رشته انیمیشن به‌صورت کاربردی و نه به‌صورت تئوری آموزش دهد. وقتی این افراد وارد بازار کار می‌شوند همه جا می‌پیچد که رعد به‌صورت کاربردی آموزش می‌دهد. من خودم کارگردانی را به‌صورت کاربردی و در کنار کارگردان‌های دیگر یاد گرفتم و به دلیل علاقه‌ای که به این حوزه داشتم هم



چندان ساده هم برای ما بگویید. به نظر من اول باید ذهن امثال من درست بشود. وقتی ذهن من درست شد و اعتماد به نفس پیدا کردم، آن وقت است که برادرم، خواهرم، و دیگران به من کمک می‌کنند و من از کمک گرفتن ناراحت نمی‌شوم. پس اول باید ذهنیت افراد دارای معلولیت نسبت به خودشان تغییر کند. اگر آنها بتوانند خلاق باشند و مهارتی را از خودشان عرضه کنند، دیگران هم روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. برای این‌که بچه‌ها بتوانند خود را به جامعه ثابت کنند، باید از مربیان و مدرسان حرفه‌ای و توانمند بهره بگیرند. اگر چنین مربیانی وجود نداشته‌باشند، توانیابان پیشرفت نمی‌کنند. رعد زمین حاصلخیزی را ایجاد کرده که باید دانه‌های مستعد در آن کاشته شوند. اگر زمین هم حاصل‌خیز نباشد، بذره‌های مستعد از بین می‌روند.

لطفا در مورد نوع معلولیت خود کمی صحبت کنید؟

من در کودکی دچار فلج اطفال شدیدی شدم، به طوری که تمام بدنم از کار افتاد و پزشکان از من قطع امید کردند. خانواده من که اعتقادات مذهبی داشتند، نذر کردند که هر سال روز تولد امام رضا مرا به مشهد ببرند. بعد از هفت سال من از نظر مغزی و چشمی شفا یافتم و الان هم فقط دست راست و پای راستم دچار مشکل است که با بریس راه می‌روم.

از کودکی به مدرسه عادی می‌رفتم. وقتی که ۱۶ ساله بودم و در دبیرستان تحصیل می‌کردم از طریق یکی از همسایگان که در موسسه رعد، کاردرمانگر بود، با این موسسه آشنا شدم. از وقتی که در کلاس‌های رعد شرکت کردم، اعتماد به نفس من چند برابر شد. تا قبل از آن بسیار خجالتی بودم. ولی حضور در مجتمع رعد و آشنایی با اساتید و روانشناسان این مرکز خصوصاً دکتر افشنگ، باعث شد که زندگیم تغییر کند. الان دوستان به من می‌گویند تو بیشتر از حد اعتماد به نفس داری و مثل افراد تندرست رفتار می‌کنی! به عقیده من همه افراد به‌گونه‌ای معلولیت دارند. بعضی‌ها معلولیتشان به چشم می‌آید و عده‌ای هم معلولیتشان دیده نمی‌شود! پس دلیلی ندارد که احساس تفاوت با دیگران کنیم.

در ابتدای ورود به رعد از چه کلاس‌های آموزشی شروع کردید؟
من به کلاس‌های طراحی،

همه فکر می‌کنند خلاقیت به جسم افراد مربوط می‌شود در حالی که خلاقیت به ذهن افراد مربوط است و افراد دارای معلولیت از خلاقیت خوبی برخوردار هستند

نقشه‌کشی و گرافیک رفتم. در آن زمان نقشه‌ها با دست کشیده می‌شد ولی بعد با کامپیوتر کار کردیم. چون دست من مشکل داشت استادم به من توصیه کرد که با کامپیوتر و به صورت سه بعدی کارکنم، به همین دلیل با نرم افزار «تری دی مکس» آشنا شدم و از اینجا بود که وارد مبحث انیمیشن شدم و مسیر زندگیم تغییر کرد. من در حوزه انیمیشن تا الان بیش از ۵۰۰ کارآموز را تربیت کرده‌ام که شامل افراد تندرست و افراد دارای معلولیت است. من شاگردان قوی خود را در پروژه‌های سینمایی و انیمیشن وارد می‌کنم، تا از این طریق عملاً کار را یاد بگیرند.

چند سال در رعد بودید؟

من ۷ سال در موسسه رعد کلاس رفتم، آموزش دیدم و از محضر اساتید بسیار خوبی بهره‌بردم. بعد از آشنا شدن با کامپیوتر پدر و مادرم برایم کامپیوتر خریدند. پس از گرفتن دیپلم بلافاصله وارد بازار کار شدم، البته سختی‌های زیادی در مسیرم بود چون هر کسی حاضر نمی‌شد مرا قبول کند. به خاطر دارم که در یک شرکت معماری که سه نفر را انتخاب می‌کرد، درخواست کار دادم. در امتحان شرکت کردم و زودتر از دو نفر دیگر سوالات را جواب دادم و از جلسه امتحان بیرون آمدم. وقتی مهندس مربوطه کارم را دید به من گفت، کار تو مورد قبول است، تا یک هفته دیگر خبرت می‌کنیم. بعد از یک هفته خبری نشد و برادرم را برای پیگیری فرستادم. او آمد و گفت: شخص دیگری که کارش بهتر بوده را انتخاب کرده‌اند. ولی بعد فهمیدم که علت قبول نکردن من معلولیتم بوده. آنها به برادرم گفته بودند، چون ساختمان پله دارد و این فرد برای بالا رفتن و پایین

آمدن از پله احتیاج به کمک دیگران دارد، ترجیح دادیم که یک فرد تندرست را استخدام کنیم. خیلی به من بر خورد و تصمیم گرفتم کار را ازخودم شروع کنم. من همیشه به شاگردانم هم این را می‌گویم که اگر می‌خواهید کار بزرگی انجام دهید از خودتان آغاز کنید و منتظر کمک و حمایت دیگران نباشید. من این را از دکتر افشنگ، استاد روانشناسی رعد در آن ایام، آموختم که باید از خودمان شروع کنیم. این حرف ایشان همیشه در ذهن من باقی مانده‌است.

من در ضمن گذراندن دوره‌های مختلف در رعد، در شرکت‌های خصوصی و تبلیغاتی هم کار انیمیشن و اتو کد را انجام می‌دادم. مزیت رشته انیمیشن در این است که هر کسی نمی‌تواند در این حوزه وارد شود. فقط افراد خوش‌فکر و خلاق در آن موفق می‌شوند. از طریق انیمیشن می‌توان هر چیزی را خلق کرد و هر ایده‌ای را به تصویر کشید و این به خلاقیت نیاز دارد.

بعد از اینکه مدتی در شرکت‌های تبلیغاتی کار کردم با برادر بزرگم شرکت سیماپرداز را که یک شرکت فیلمسازی تبلیغاتی است را تاسیس کردیم. برادرم مدیر عامل است و تهیه‌کنندگی پروژه‌ها را بر عهده دارد و من هم کارگردانی فیلم‌ها و مدیریت شرکت را برعهده دارم. ما در این شرکت کارهای انیمیشن و جلوه‌های ویژه بسیاری از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی را کار کرده‌ایم. خودم انیمیشن «مبارک» را ساختم که اولین ژنرال انیمیشن ایران بود. در طول کار، یاد گرفتم که انساهای موفق، انسان‌های خلاق و نوآور هستند.

به نظر شما رشته انیمیشن و جلوه‌های ویژه برای توانیابان درآمد زاست؟

حتماً درآمدزاست. انیمیشن و جلوه‌های ویژه یک شغل پر درآمد است. سینما دنیای جذابی دارد. این صنعت کمک زیادی می‌تواند به افراد دارای معلولیت کند، چون نود درصد کارش با مغز است. برای همین خواستم این کلاس‌ها را در رعد برگزار کنم چون می‌دانم که بچه‌های رعد یک سرو گردن از افراد دیگر جامعه بالاتر هستند و اگر به شکل صحیح در این رشته آموزش ببینند، جامعه به دنبال آنها می‌آید.

در مورد انیمیشن لطفاً بیشتر توضیح دهید:

وقتی صحبت از انیمیشن می‌شود منظور کارتون برای بچه‌ها نیست. در

انیمیشن چیزهایی که وجود ندارد را خلق می‌کنیم. من الان با کارگردانها و بازیگران بزرگ کار می‌کنم و به دنبال این هستم که فیلم بعدی خود را بسازم. من حتی اکران خصوصی فیلم «مبارک» را در رعد برگزار کردم و از خانم شاکر دوست که از بازیگران این فیلم بودند هم دعوت نمودم.

وقتی توانیابان کارگردان یا بازیگران را از نزدیک ببینند، انگیزه‌ی کار و تلاش پیدا می‌کنند. فضای انیمیشن و جلوه‌های ویژه و سینما یک فضای هنری است که بچه‌ها در جریان کار با هم مثل یک خانواده می‌شوند. وقتی فرد به موفقیت برسد دیگر مشکل جسمانی‌اش به چشم نمی‌آید. من گاهی خودم مشکل جسمی‌ام را فراموش می‌کنم. در رعد این اتفاق باید بیفتد چون رعد این ظرفیت را دارد و آدم‌های بزرگی از آنجا بیرون آمده‌اند.

ایا یک فرد دارای معلولیت دوست ندارد با فردی که تندرست است در یک کلاس بنشیند؟ آموزشگاه رعدم باید مثل مرکز جامع علمی کاربردی رعد این شرایط را ایجاد کند و عدم جداسازی را از خودش شروع کند. باید شرایطی ایجاد کند که جدا سازی افراد تندرست و توانیاب از بین برود و مردم ببینند که این افراد می‌توانند با هم باشند.

این کار فرهنگ‌سازی است و کسی مثل من در این هم‌جواری یاد می‌گیرم جایی که لازم است از بقیه مردم کمک بخواهم. دوستان دارای معلولیتی را می‌شناسم که خجالت می‌کشند از دیگران کمک بگیرند چون خودشان را متفاوت با بقیه می‌دانند. مثلا اگر جایی پله داشته باشد آنقدر صبر می‌کنند تا

اول باید ذهنیت افراد دارای معلولیت نسبت به خودشان تغییر کند. اگر بتوانند خلاق باشند و خودشان را مطرح کنند، دیگران هم حاضر می‌شوند روی آنها سرمایه‌گذاری کنند

یک نفر بیاید و ویلچر را هل دهد، ولی خودش تقاضای کمک نمی‌کند.

بچه‌ها باید بتوانند از افراد درخواست کمک کنند. من یاد گرفته‌ام از دیگران کمک بخواهم. اگر این کار را نکنیم از زندگی عقب می‌افتیم. تازه مردم از اینکه از آنها کمک خواسته شود خوشحال می‌شوند چون دوست دارند به یکدیگر کمک کنند.

من هر چه یاد گرفته‌ام، از مربیان رعد بوده‌است و برای همین خودم را همیشه مدیون رعد می‌دانم. اساتید و مربیان باید افکار و ذهنیت منفی بچه‌های دارای معلولیت را عوض کنند. واقعا رعد ریشه‌های مرا قوی کرد. اساتید، مربیان، کارشناسان فیزیوتراپی و کار درمانی رعد واقعا عالی هستند و آنقدر به من انگیزه می‌دادند و با من خوب رفتار می‌کردند که فراموش می‌کردم که از نظر فیزیکی مشکل دارم.

من با شاگردانی که راهشان دور است به صورت «فری لانسر» کار می‌کنم و می‌خواستم این کار را با بچه‌های رعد هم انجام دهم. زمانی که من در رعد آموزش می‌دادم از کلاس فیلمبرداری می‌کردم و در اختیار بچه‌ها قرار می‌دادم. در همان دو ساعت صدها نکته را آموزش می‌دادم و بچه‌ها می‌توانستند سر فرصت فیلم را نگاه کرده و در طول هفته تمرین کنند.

بچه‌هایی که انگیزه کار ندارند، مشکلات جسمانی آنها چندین برابر می‌شود که در این صورت هم به خانواده آنها فشار می‌آید و هم بچه‌ها احساس می‌کنند که به درد هیچ کاری نمی‌خورند و دچار روزمرگی می‌شوند و عادت می‌کنند که هر روز به رعد بیایند و بروند بدون هیچ هدفی. در این صورت آنها فراموش می‌کنند که خلاق باشند و روی توانایی‌های خود متمرکز شوند. امیدوارم که در آینده اتفاق‌های خوبی بیفتد.

چه صحبتی با توانیابان رعد دارید؟

-آرزوی موفقیت برای همه توانیابان دارم و همان‌طور که گفتم بچه‌ها باید از خودشان شروع کنند و نباید منتظر معجزه از بیرون باشند. بلکه خودشان باید معجزه زندگی خودشان باشند. من وقتی به انیمیشن‌های اولیه‌ای که ۲۰ سال پیش درست کردم نگاه می‌کنم خجالت می‌کشم! ولی از همان جا شروع کردم و الان به این مرحله رسیده‌ام. بچه‌ها باید از خودشان شروع کنند، تلاش کنند و مهارتی یاد بگیرند و بعد دیگران آنها را می‌شناسند و روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند و روی آنها حساب می‌کنند.